

نشریه علمی - ترویجی

توسعه راهبرد

راهبرد یاس سابق

زمستان ۹۲ - شماره ۳۶ - قیمت ۴۰۰۰ تومان

- رسامه ملی و توسعه
- اثر پرداخت یارانه های مصرفی بر وضعیت توزیع درآمد؛ مطالعه موردی استان کردستان
- تاثیر تحریم های بین المللی بر توسعه اقتصادی ایران
- فرامین و مدل یادگیری تفکر استراتژیک
- ارزیابی اثر اعتبارات شبکه بانکی بر رشد اقتصادی بخشهای مختلف استان مازندران با استفاده از داده های تابلویی
- تأثیر مؤلفه های نوین دانش بر شاخص آزادی اقتصادی (مقایسه کشورهای منتخب سندچشم انداز با توسعه یافته)
- تکنولوژی و چرخش امنیت سیاسی
- بررسی اثر رشد اقتصادی بر شاخص توسعه انسانی در گروه منتخب کشورهای منطقه منا؛ رهیافت خود رگرسیون برداری تابلویی

توسعه راهبرد

راهبرد یاس سابق
شماره پیاپی ۳۶ - زمستان ۱۳۹۲

● صاحب امتیاز

مهندس سیدمرتضی نبوی

● مدیر مسئول

دکتر محمد خوش چهره

● سردبیر

دکتر حسن سبحانی

● امتیاز: علمی - ترویجی. طبق نامه شماره ۳/۱۱۵۵۲ مورخ ۸۶/۱۲/۲۷ و نامه تمدید

امتیاز (به شماره ۳/۲۵۹۰۶ مورخ ۹۱/۲/۱۱) وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

● ناشو: مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه

● حروفچینی و صفحه آرایی: قربان تاجریان

● نشانی: تهران - خیابان فلسطین شمالی - پایین تر از زرتشت - پلاک ۵۵۴ - طبقه ۳

کدپستی: ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴ - تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ - نمابر و سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱۸۸۹۹۱۸۰۲

www.tsrc.ir
rahbordeyas@gmail.com

آدرس اینترنتی:
پست الکترونیک:

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir
www.magiran.com

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
بانک اطلاعات نشریات کشور

● قیمت: ۴۰۰۰ تومان

● چاپ: شرکت رواق روشن مهر

● آدرس چاپخانه:

مهرآباد جنوبی، روبروی پایگاه یکم شکاری، پلاک ۱۲۶. تلفن ۶۶۶۴۹۶۳۸

فهرست مطالب

توس
ناشتا
اصح
حاك
بدي
به ي
نژاد
گس
زند
هم
از
ارم
راه
پژو
نقد
شد
پدي
با
فر
كل
آر
به
تو
با

- ❖ سخن سردبیر ۵
- ❖ میزگرد: رسانه ملی و توسعه ۷
- ❖ اثر پرداخت یارانه‌های مصرفی بر وضعیت توزیع درآمد؛ مطالعه موردی استان کردستان ۳۴
دکتر حمید سپهر دوست، حسین سلیمانی
- ❖ تاثیر تحریم‌های بین المللی بر توسعه اقتصادی ایران ۵۴
دکتر هادی آجیلی، الهام کشاورز مقدم
- ❖ فرامین و مدل یادگیری تفکر استراتژیک ۸۸
عماد گل محمدی، نشاط محمدی، زهرا برومندان
- ❖ ارزیابی اثر اعتبارات شبکه بانکی بر رشد اقتصادی بخش های مختلف استان مازندران با استفاده از داده‌های
تابلویی ۱۰۹
دکتر محمد حسین احسان فر، سیده وحیبه میکائیلی
- ❖ تأثیر مؤلفه‌های نوین دانش بر شاخص آزادی اقتصادی (مقایسه کشورهای منتخب سند چشم‌انداز با توسعه یافته)
..... ۱۳۱
دکتر ابوالفضل شاه‌آبادی، مهسا گنجی
- ❖ تکنولوژی و چرخش امنیت سیاسی ۱۶۰
دکتر روح اله اسلامی، فاطمه ذوالفقاریان
- ❖ بررسی اثر رشد اقتصادی بر شاخص توسعه انسانی در گروه منتخب کشورهای منطقه منا: رهیافت
خودرگسیون برداری تابلویی ۱۸۶
حسن ملا اسمعیلی دهشیری، دکتر حسین شریفی رنانی

تکنولوژی و چرخش امنیت سیاسی^۱



روح اله اسلامی^۲

فاطمه ذوالفقاریان^۳

(تاریخ دریافت ۹۱/۹/۱۵ - تاریخ تصویب ۹۲/۱۰/۲۱)

چکیده

همه واژه‌ها در عین بدیهی جلوه کردن، برای تحلیل و پدیدار عملی شدن، نیاز به بررسی روابط زمانی، مکانی، زبانی و از همه مهم‌تر توره‌های قدرت در بستر تاریخ دارند. امنیت سیاسی در معنای اول حفظ رژیم سیاسی و کارکردهای نظام سیاسی برای مصون نگه داشتن جغرافیا و جمعیت در برابر تهدیدات داخلی و خارجی می‌باشد. اینکه امنیت سیاسی هر کشور به چه معناست؟ چه کسانی می‌گویند امنیت سیاسی، دایره شمولش تا کجاها را در برمی‌گیرد؟ ابزارهای رسیدن به امنیت سیاسی چیست؟ تکنولوژی‌های قدرت برای سامان‌دهی جغرافیا، جمعیت و نظام سیاسی دارای چه نسبتی از اهمیت می‌باشند؟ پرسش‌های بسیار مهمی است که در نگاه اول بدیهی به نظر می‌آیند. این نوشتار قصد دارد با قرار دادن امنیت سیاسی کشورها در بستر تکنولوژی‌های قدرت، در سه دوره متافیزیک، فیزیک و اطلاعات نشان دهد، چگونه امنیت سیاسی: در عصر متافیزیک: شبانی، کیفی، قدرت درباری و اشراف، امپراطوری با رسانه‌های شفاهی و امنیت استبدادی- در عصر فیزیک: مکانیکی، دولت محور، بروکراتیک، سیستمی،

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان جریان‌های سیاسی سایبری و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که در

دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده علوم اداری، تصویب و توسط نویسندگان اجرا گردیده است.

۲- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، Hafez.eslami@gmail.com

۳- کارشناس ارشد علوم سیاسی، f_zolfagharian@yahoo.com

تکنولوژی و چرخش امنیت سیاسی

روح اله اسلامی¹

فاطمه ذوالفقاریان²

چکیده مقاله

همه واژه‌ها در عین بدیهی جلوه کردن، برای تحلیل و پدیدار عملی شدن، نیاز به بررسی روابط زمانی، مکانی، زبانی و از همه مهم‌تر تورهای قدرت در بستر تاریخ دارند. امنیت سیاسی در معنای اول حفظ رژیم سیاسی و کارکردهای نظام سیاسی برای مصون نگه داشتن جغرافیا و جمعیت در برابر تهدیدات داخلی و خارجی می‌باشد. اینکه امنیت سیاسی هر کشور به چه معناست؟ چه کسانی می‌گویند امنیت سیاسی دایره شمولش تا کجاها را در برمی‌گیرد؟ ابزارهای رسیدن به امنیت سیاسی چیست؟ تکنولوژی‌های قدرت برای سامان دهی جغرافیا، جمعیت و نظام سیاسی دارای چه نسبتی از اهمیت می‌باشند؟ پرسش‌های بسیار مهمی است که در نگاه اول بدیهی به نظر می‌آیند. این نوشتار قصد دارد با قرار دادن امنیت سیاسی کشورها در بستر تکنولوژی‌های قدرت، در سه دوره متافیزیک، فیزیک و اطلاعات نشان دهد، چگونه امنیت سیاسی: در عصر متافیزیک: شبانی، کیفی، قدرت درباری و اشراف، امپراطوری با رسانه‌های شفاهی و امنیت استبدادی - در عصر فیزیک: مکانیکی، دولت محور، بروکراتیک، سیستمی، علمی با رسانه‌های کتبی و امنیت دولت ملی - در عصر اطلاعات: کوانتومی، جهانی محور، الکترونیکی، سازه‌ای، سایبری به همراه تکنولوژی‌های چندرسانه‌ای - بوده است. با چرخش قدرت، شکل تکنولوژی‌های سیاسی نیز تغییر کرده است و متناسب با آن پدیدار امنیت سیاسی دچار تحول معنایی، شکلی و عملی شده است.

واژگان کلیدی

تکنولوژی، امنیت سیاسی، عصر اطلاعات

¹ - استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

Hafez.eslami@gmail.com

² - کارشناسی ارشد علوم سیاسی f_zolfagharian@yahoo.com

بیان مسئله

امنیت یکی از خواسته های آدمی است. به این معنا که بشر از ابتدای پا گذاشتن بر روی زمین قصد دارد، که تحرک، نوسان، گذار و نسبیت حاکم بر پدیده های انسانی و تجربی را تبدیل به ثبات کند. تمامی پیشرفت های انسان ناشی از امنیت خواهی است. ذهن انسان از حرکت های مداوم، تغییرات ناگهانی و فرایندهای غیرقابل پیش بینی هراسان است و تمایل دارد که به سمت ثبات و ایجاد رویه های قابل پیش بینی حرکت کند. امنیت یعنی سکنی گزیدن آدمی، در آنچه خودش ایجاد کرده است. خودمانی سازی رویه ایست که در آن انسان سعی دارد غیریتها و دیگری ها را با خود همساز کند و با آشناسازی و کشف منطق به رام سازی آن بپردازد. به این ترتیب آرام ساختن محیط پیرامون مطابق با میل و هدف انسان ایجاد امنیت می کند. در همین جاست که فرایند همنوایی و کشف منطق های تکرار شونی بشر را به سمت امنیت فکری سوق می دهد. اما ایجاد شدن امنیت نیاز به مطرح شدن دو بحث قدرت و تکنولوژی دارد.

به این معنا که انسان تا قدرت نداشته باشد نمی تواند محیط را رام سازد و آرمان ها و اهداف خود را پیاده سازد. قدرت در ابتدایی ترین امور خود امکان عملی شدن اندیشه و اهداف انسان را فراهم می سازد. البته اینکه انسان در چه شرایطی قرار بگیرد احساس امنیت می کند و اینکه اهداف انسان برای رسیدن به غایت پس از امنیت چیست بستگی به محیط و عصر حاکم نیز دارد. در هر عصر بشر با توجه به نیرو و قدرتی که دارد فهمش از امنیت متفاوت می شود. در این نوشتار قصد داریم به موضوعات گوناگونی که در مورد امنیت مطرح می شود بپردازیم که البته تمرکز اصلی بحث بر سیاست و امنیت سیاسی کشورها معطوف است.

در هر عصر بشر با توجه به جهان بینی و نگرش کلی که بر آن حاکم می شود امنیت را به گونه ای تعریف می کند. بحث آنقدر پیچیده است و جواب به اینکه امنیت سیاسی چیست آنقدر به تاریخ زندگی و دوره های فکری بشر ارتباط دارد که ما را وارد گونه شناسی ای از فلسفه سیاسی امنیت سیاسی می کند. قبل از پرداختن به اینکه پدیدار امنیت سیاسی در دوره های گوناگون فکر بشر بر چه اساسی است و چرا بشر در قرون مختلف فهم های متفاوتی از امنیت داشته است باید به مفهوم بسیار بنیادینی در جهان بینی و نگرش سیاسی انسان ها در تاریخ اشاره شود. آنچه باعث می شود که بشر در هر عصر فهمی متفاوت و در حال گسترش از امنیت سیاسی و ملی داشته باشد به تکنولوژی های قدرت برمی گردد. تکنولوژی فکر را از حالت آرمانی و توهمات بیرون می آورد و به واقعیت می چسباند. تکنولوژی در عرصه طبیعت توانایی ایجاد تکنیک هایی را دارد که از اختراعات ساده و دم دستی تا اختراعات صنعتی و الکتریکی را در برمی گیرد و توانایی بشر را برای امنیت بخشیدن به محیط پیرامون خویش چندین برابر می سازد. ساخت سد، آتش، شخم زدن به وسیله گاو، اختراع دوچرخه، ماشین، هواپیما، تلفن، ماهواره و کامپیوتر تکنولوژی هایی هستند که بشر برای بهره گرفتن از محیط پیرامون خود با توان بالاتر و عملی کردن اهداف خود به کار گرفته است. در عرصه سیاست نیز تکنیک هایی وجود دارد که باعث می شوند محیط سیاسی از آشوب، جنگ و خشونت به سمت صلح، توزیع قدرت و زندگی سالم حرکت کند و البته واحدهای سیاسی در طول تاریخ با توجه به تعریفی که از منافع و میزان توان خود داشته اند به همان نسبت امنیت سیاسی را نیز برای خود تعریف می کرده اند. تکنولوژی هایی مثل آرایش نظامی، فنون جنگ،

تفکیک قوا، دموکراسی، دیپلماسی عمومی و ... تکنیک ها و ابزارهایی است که باعث اعمال و محدود شدن بهینه و عقلانی قدرت می شوند.

تکنولوژی حلقه واسطه میان سیاست و امنیت است. در واقع پیشرفت تکنولوژی ها باعث می شود که پدیدار سیاست و امنیت مدام از شکل های فردی و شخصی یعنی قدرت شبانی به سمت شکل های سازمانی و بروکراتیک و در نهایت شکل های سایبری و جهانی حرکت کنند. تکنولوژی های دم دستی و ساده باعث می شدند که بشر جهان بینی بسیار ساده ای داشته باشد و سیاست شکلی استبدادی و پاتریمونبال داشت که متناسب با آن امنیت به صورت حفظ منافع و قلمرو سلطنت تعریف می شود. منافع ملی و سیاسی در نظام های سلطنتی به شخصیت و کیفیت رهبری و آرزوهای او برمی گردد. متناسب با تغییر تکنولوژی، جهان بینی انسان ها به سمت علمی شدن پیش می رود و متناسب با آن امنیت سیاسی به جمعیت و جغرافیا بازمی گردد. به جای سلطان، بروکراسی و دستگاه اداری قرار می گیرد و امنیت سیاسی به معنای حفظ جان شهروندان و دفاع از قلمروی سرزمینی می شود (کلگ، 1383: 154). با تغییر تکنولوژی از شکل مکانیکی و علمی به شکل های کوانتومی و سایبری جهان بینی انسان ها نیز تغییر می کند و وارد جهان بینی های سایبری و مجازی می شود. متناسب با قرار گرفتن در عصر اطلاعات امنیت سیاسی نیز به امنیت بشری و جهانی ارجاع داده می شود.

بنابراین پرسش مقاله این است که امنیت سیاسی چیست؟ چه عاملی باعث شده است که تبلور امنیت سیاسی در هر دوره ای متفاوت باشد؟ فرضیه مقاله چنین می شود که: امنیت سیاسی پدیداری ذهنی است که ناشی از تعریف قدرت و درجه امنیت با توجه به تکنولوژی های قدرت در هر عصر متفاوت تعریف می شود. بسته به اینکه انسان در چه عصری زندگی می کند و با کدام جهان بینی و تکنولوژی ها دنیای پیرامون خود را تفسیر می کند، امنیت سیاسی تعریفی متفاوت به خود می گیرد. خلاصه امنیت سیاسی دفاع و حفظ تمامیت ارضی، جغرافیا، جمعیت، غذا، بهداشت، سلامت، رفاه و اقتصاد، قدرت نظامی و پرستیژ ابرقدرتی، استقلال، آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و اقلیت ها، ایدئولوژی و فرهنگ، قدرت نرم و هژمونی شدن است. امنیت سیاسی حفظ قدرت شبانی سلطان و قلمرو او تا دفاع از قلمرو سرزمینی و جان و مال شهروندان در دوره مدرن و در عصر پسامدرن شامل حفظ و دفاع از حقوق بشر و دموکراسی جهانی را شامل می شود. امنیت سیاسی بستگی به تکنولوژی، تعریف سیاست و منافع ملی و همینطور عصر و قرن قرار گرفته در آن دارد، که در زیر مورد بررسی قرار می گیرند.

تکنولوژی های متافیزیک و امنیت قدرت شبانی

در دوران قدیم یعنی عصر باستان تا دوره مدرن تعریف سیاست و امنیت چندان شباهتی به دوره جدید نمی داد. انسان های ساکن در مصر، ایران و بین النهرین در دوره باستان و همین طور قرون وسطی در سرتاسرزمین، اغلب شکلی از وجوه سیاست را تجربه می کردند، که ناشی از برداشت طبیعی بودن زور و تغلب و حکمرانی استبداد به هر شکل موجود بوده است. امنیت سیاسی در عصر سنتی بستگی به نیرو و اراده دستگاه حاکمه که اغلب دایره ای بسیار کوچک از خواص را تشکیل می داد بستگی داشت و متناسب با آن آنچه اشراف، کشیشان، نظامیان و به خصوص دربار و

شاهزادگان را راضی می‌کرد و دنیا را به کامشان شیرین می‌کرد، مطلوب و هر عامل داخلی و خارجی که مانع رسیدن هرم حاکمیت به اهدافشان می‌گردید مغایر با امنیت سیاسی تعریف می‌شد. به این ترتیب در دوران قدیم امنیت کشور به ذهنیت درباریان بستگی داشت و حتی گاهی تکه ای از جغرافیای کشور برای رضایت خاطر و شادی بخشیدن به پادشاه هدیه داده می‌شد.

در واقع می‌توان گفت در عصر متافیزیک سیاست به شدت کیفی و اندرزنامه ای بود و عالمان سیاست توانایی اثرگذاری بر عرصه سیاست را نداشتند. سیاست به معنای تربیت و هدایت آنهم به وجه اخلاقی و حکمرانی بر خود تعریف می‌شد. به این علت که معمولاً دانشمندان از قدرت دور بودند و سیاست مداران اغلب بر اساس الگوهای خونی، نژادی و قومی به کشورداری می‌پرداختند، ارتباط چندان محکمی میان دانش و قدرت برقرار نبود. تکنولوژی های طبیعی و سیاسی نیز بسیار دم دستی و ساده بود که باعث می‌شد بشر نتواند امنیت ابتدایی جانی و مالی را برای خود به وجود آورد. در شکل غیر سیاسی و زندگی فردی بشر بسیار ناتوان بود و نمی‌توانست راهکارهایی برای مریضی‌ها و بلایای طبیعی پیدا کنند. سیل، زلزله، وبا، خشکسالی به صورت دوره ای نیمی از جمعیت بشر را از بین می‌برد و ناامنی بسیار شدید اما به رسمیت شناخته و طبیعی پنداشته شده‌ای به شمار می‌رفت. اصلاً به ذهن بشر نمی‌آمد که می‌تواند با استفاده از فرمول های علمی و ریاضیات و کشف قواعد، جلوی برخی از متغیرهای ناامنی را گرفت. هنوز بهداشت و علوم مهندسی و پزشکی وجود نداشت. تکنولوژی تنها به عرصه طبیعی و زیستی انسان ها مربوط نمی‌شد بلکه در عصر متافیزیک زندگی سیاسی نیز از تکنولوژی های بسیار ساده و ابتدایی بهره می‌گرفت.

سیاست در شکل اولیه خود نمی‌توانست به قلمرو دولت ملت فهمی داشته باشد بلکه قلمرو مربوط به امپراطوری و قلمروهای سلطنتی بود که بر روی رعیت اعمال قدرت می‌کرد. هیچ گونه تکنولوژی برای محدودیت قدرت و همینطور دادن نقش به شهروندان ایجاد نشده بود. تکنولوژی های قدرت در عصر متافیزیک به شدن کیفی، قیاسی، اندرزی و به دور از واقعیت های در جریان بودند. اصلی ترین ویژگی تقسیم نشدن کارها و همانند آن تقسیم نشدن علوم بود. از یکسو هر فرد می‌بایست همه کاره باشد و به اقتصاد، سیاست و حتی نظامی‌گری و امور مذهبی بپردازد و از سوی دیگر دانش ها نیز از یکدیگر مجزا نبود و در دل متافیزیک کلی قرار گرفته بود که با شاکله های متافیزیک، تمام حیات بشر را به شکل اسطوره ای و فلسفی جدای از واقعیات جامعه به صورت اندرزی هدایت می‌کرد. تقسیم نشدن کارها به این علت بود که انسان‌ها اعتمادی به یکدیگر نداشتند و به صورت زندگی رعیت وار به دنبال آن بودند که جان و مال و ناموس خود را در فضای جنگ همه علیه همه، سالم نگه دارند. در چنین شرایطی اعتماد و سرمایه اجتماعی به هیچ عنوان شکل نمی‌گرفت و سیاست که جوهره‌اش بر اساس کار جمعی است به وجود نمی‌آید. در جوامع متافیزیکی باستان و قرون وسطی محققان با امتناع سیاست رو به رو هستند. وقتی که سیاست به معنای حاکم شدن برنامه ها و عملکردهای عقلانی توسط خرد جمعی و مصلحت عمومی حاکم نباشد جامعه امنیت لازم را ندارد (فوکو، 1389: 18). سیاست از جمله مقوله هایی در زندگی بشر است که اگر همه آن را رها کنند، سفاکترین و ظالم ترین انسان ها بر مردم حاکم خواهد شد و بی نظمی داخلی، آنومی اخلاقی، وابستگی و حس تحقیر شدید به همراه نابودی انسانیت را به همراه خواهد آورد. در عرصه اقتصاد اگر هر کس نفع خود را دنبال کند، جامعه توسط دستی نامرئی، امنیت را به

بهترین شکل پاس می‌دارد. اقتصاد، مدیریت، بازار و منطق بسیاری از روابط فردی و اجتماعی انسان‌ها با استفاده از ناخودآگاه حاکم بر متن‌ها هدایت می‌شود. به این معنا که اگر همه به دنبال سود و منفعت خود باشند عقلانیت حاکم بر عرصه اقتصاد و بازار شکل خواهد گرفت. اما عرصه سیاست چنان حقیقت‌زنده، واقعی و حساسی دارد که برای شکل‌گیری امنیت سیاسی نیاز به سرمایه اجتماعی و تنظیم جامعه دارد و نمی‌توان بر اساس منفعت‌های فردی برنامه‌ریزی‌های عمومی جامعه را به بهترین شکل خود انجام داد. سیاست مربوط به امور عمومی است و اگر همه دنبال سوار مجانی خوردن باشند و شانه از زیر بار مسئولیت‌های عمومی خالی کنند و اگر مکانیسمی برای هزینه و درآمد عقلانی امور عمومی تدارک دیده نشود، باعث می‌شود که سیاست‌رها شده و جنگ، خشونت، ناامیدی، ناامنی، بی‌اخلاقی، استبداد و نابودی انسانیت را به راحتی همه با چشمان خود بنگرند. برای تامین امنیت سیاسی جامعه نیاز به شناخت پدیده‌های سیاسی و ارائه راه‌کارهای علمی و ساختاری است که توزیع قدرت در جامعه را به شکلی تعادل‌آفرین بر عهده بگیرند. تنها عرصه‌ای که در سامانه‌های عملی و نظری سیاست در عصر متافیزیک به آن توجه نمی‌شد، همین مورد بود و به همین دلیل تنها اخلاق، حکمرانی بر خود، کیفیت رهبری و هزاران اصل اخلاقی و آرمانی بدون توجه به ضمانت اجراها و یا ارتباط با واقعیت تولید می‌گردید که توانایی برقراری امنیت سیاسی و کشوری را نیز نداشت. جوامع باستان و قرون وسطی بسیار ناامن بودند و سکوت و آرامش مبتنی بر رفتار استبدادی حکومت و قدرت شبانی بر آنها حاکم بود.

شاه و درباریان به همراه نظامیان و کشیشان بر جان، مال و ناموس مردم حاکم بودند و استبداد ویژگی اصلی این واحدهای سیاسی بود. در جهان بینی‌های متافیزیکی مثل اسطوره، فلسفه، مذهب، فقه، عرفان، حکمت و ... سازوکاری برای محدود کردن قدرت و ایجاد سامانه‌ای برای امنیت دادن رفاهی، بهداشتی و اقتصادی برای مردم تدارک داده نشده بود. اصلاً سیاست به معنای تربیت بود و تنها کنترلی که برای حکمرانان در نظر گرفته شده بود اصول اخلاقی‌ای به شمار می‌رفت که حاکم و سیاست‌مداران باید واجد آن باشند. انسان آرمانی که باید شهر آرمانی را ایجاد کند که البته هیچ ضمانت‌اجرایی برای نحوه آرمانی بودن و عواملی که باعث ممانعت از آرمانی شدن باشد وجود ندارد. سیاست کنترل نفس و اخلاق پسندیده‌ایست که فیلسوفان و مذاهب از آن یاد کرده‌اند و حکمرانان باید به خاطر، خداوند، فضیلت، بهشت، نام نیکو و ... از آن داشته باشند. حال اگر از این صفت خالی بودند هیچ اتفاقی نمی‌افتد. سیاست در سطوح اخلاق و خانواده در باب وظایف پدر خانه، نقش زنان و فرزندان و نحوه برخورد با کنیزان و غلامان را در برمی‌گرفت. اصلاً کسی جرات نمی‌کرد که راجع به دربار، شاه و الزامات امر سیاسی در شکل دولتی و حکومتی صحبت کند.

همه این موارد به این علت بود که قدرت در سامانه‌های نظری و عملی متافیزیک همانند سیل، زلزله، وبا و خشکسالی رها شده بود و تابع هیچ کنترل، نظارت، قاعده و قانونی نبود. قدرت مشروطیت را بر نمی‌تافت و نمی‌خواست دایره قدرت را از تعداد بسیار اندک گسترش دهد. اصلاً هیچ محقق و دانشمند سیاسی نمی‌توانست قدرت را مورد مطالعه قرار دهد و در مورد آن احکامی را صادر کند که مبتنی بر تکرار و پیش‌بینی‌پذیری باشد. نمونه می‌توان از برخورد حاکمیت با افلاطون، ملاصدرا، ماکیاوول یا سهروردی را نام برد که به محض نزدیک شدن به قدرت و باز کردن ابعاد آن و مشروط

کردن قدرت مبتنی بر اینکه چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؛ خود را به زندان، گوشه نشینی، تبعید و حتی مرگ نزدیک می‌کردند.

امنیت تنها از زاویه دید قبایل جنگجو و درارای عصبیتی تعریف می‌شد که مدام در حال جنگ و انداختن حکومت‌های مستقر بودند و حتی اعتقاد بر این بود که با شکل‌گیری امنیت حکومت رو به زوال می‌رود. اگر امنیت به معنای رضایت ناشی از راحتی، رفاه، تجمل، شهرنشینی و ... باشد، به گفته ابن خلدون قبایل می‌دانستند که مرگ و انحطاطشان در روی کردن به امنیت و گزینش زندگی شهرنشینی است. انگار آنها امنیت و لذت و آرامش را در خون و جنگ می‌دیدند و هر گونه سکوت و رضایت رفاهمندان جامعه را نشانه زوال و حرکت به سمت انحطاط قلمداد می‌کردند. زندگی در جنگ و اخلاق پدرسالارانه دلبسته ناامنی و بهم ریختن اوضاع عادی بود تا با استفاده از جلوه‌های خشونت بتواند قدرت خود را به شکل بهتری نشان دهد و از غنیمت‌ها و سایر امکاناتی که رانت جنگ در اختیارشان قرار می‌داد بهره‌گیرند و بردگان و رعیت را به شکل‌های گوناگون مورد ظلم و ستم قرار دهند.

مردم قدرت، اطلاع، اثرگذاری و توانایی حضور در عرصه عمومی و اظهار نظر نداشتند. مردم گوسفندان رام شده و بسیار آرام و راضی‌ای بودن که چوپانشان پادشاه بود و به آنها به هر میزان و با هر نامی که می‌خواست امنیت هدیه می‌کرد، اما در بسیاری از مواقع گرگ و دزد و گله نیز خود چوپان بود که به جان رعیت می‌افتادند و از آنها مالیات، جان، نان، ناموس، زمین و هر چه را که دارا بود را می‌خواستند. امنیت به این صورت تعریف شده بود که گریزی از وجود قدرت عالی و حکومت نیست و هر چه حکومت به مردم ظلم کند از نبود آن بهتر است و حتی بر مسلمانان می‌تواند حاکم کافر سلطنت برقرار کند و از سوی دیگر رعیت موظف به اطاعتند چرا که پادشاه سایه و نماینده خداست و هر ظلم و ستمی که به گوسفندان روا می‌دارد چون آنها خودی محسوب نمی‌شوند گناه تلقی نشده. شاه از طریق رسانه‌های شفاهی و دهان به دهان در سخنرانی‌ها و منبرها پیام‌های خود را به گوش رعیت می‌رساند. مردم بسیار بی‌اطلاع بودند و هر کس به دنبال زندگی خود بود و کار سیاسی به متولیان و شاهزاده سپرده شده بود تا امور رعیت را در حال و آینده سروسامان دهند.

به طور خلاصه می‌توان گفت امنیت سیاسی در عصر متافیزیک، با توجه به شکل کیفی، قیاسی و آرمانی از سوی جهان بینی‌هایی تولید می‌گردید، که ارتباط چندانی به واقعیت‌ها نداشتند. امنیت سیاسی به معنای رضایت خاطر سلطان و پادشاه بود و هر عاملی که به ذهنیت همایونی قدرت شبانی ضربه می‌زد و آن را آشفته می‌ساخت تهدیدی برای امنیت سیاسی به شمار می‌آمد. استبداد، قدرت شبانی، جهان بینی متافیزیکی سه عامل اثرگذار بر سیاست رعیت محوری دوران قدیم بودند که نحوه‌های فردگرایانه و یا خواص گرایانه امنیت سیاسی را شکل می‌دادند.

تکنولوژی‌های فیزیک و امنیت سیاسی دولت‌ها

علم سیاست اغلب گزاره‌های خود را در عصر مدرن یافته است. دانش سیاسی را می‌توان در نوشته‌های مغ ایران باستان، تنسر و یا فیلسوف یونان باستان، افلاطون پیدا کرد اما آنچه به عنوان علم سیاست مطرح است در دوره مدرن،

آنهم در اواخر قرن نوزدهم به وقوع می‌پیوندد. علم سیاست با توجه به سایه سنگین مدرنیته اغلب اصلی‌ترین واحد سیاسی، که در آن همه موضوعات از قبیل آزادی، برابری، رفاه و امنیت به وقوع می‌پیوندد را دولت ملی می‌داند. اتفاقی که برای امنیت سیاسی در عصر مدرن می‌افتد این است که از شکل بهم ریخته ملک الطوایفی، امپراطوری، دولت شهری، ساتراپی، سلطنتی و ... عبور می‌کند و به سمت واحدهای سیاسی دولت ملی حرکت می‌کند. این تحول بعد از قرن‌ها زد و خورد و جنگ میان فرقه‌ها، قومیت‌ها و امپراطوری‌های فلسفی، نژادی و مذهبی شکل می‌گیرد و در واقع نظم دولت‌ملت برآمده از عهدنامه وستفاليا مبنای جهانی برای سیاست در جهان را فراهم می‌کند. دانش سیاسی نیز بعد از اینکه مهمترین بازیگر و هویت سیاسی خود را به نام دولت ملی می‌شناسد، موضوعات خود را به بخش موضوعات فراملی و فروملی تقسیم می‌کند.

امنیت سیاسی نیز در عصر مدرن تنها در قالب دولت‌های ملی قابل فهم است. رسمیت اصلی عقلانیت سیاسی دیگر انسان‌ها، مذاهب، فلسفه و ... را نمی‌شناسد، بلکه تنها مرزهای جغرافیایی و انسان‌های قرار گرفته در دولت ملی موضوع امنیت سیاسی هستند. در دوران کلاسیک و عصر متافیزیک امنیت سیاسی به هویت، مذهب، انسانیت و یا منافع شخصی و استبدادی شاه و نزدیکان او بستگی داشت و تفسیر امنیت سیاسی بستگی به امور بسیار کیفی و سلیقه‌ای می‌گردید که هر کس با توجه به جایگاهی که در قدرت داشت فارغ از هر گونه چارچوبی می‌توانست معین کند که منافع سیاسی و امنیتی کشور بر چه اساسی است و چه عواملی امنیت شهر و کشور را به هم می‌ریزد و چگونه باید از آن دفاع کرد. در حالی که تکنولوژی‌های قدرت در عصر مکانیکی مدرن، با خلق کردن واحد سیاسی دولت ملی توانستند که امنیت سیاسی را از بعد کیفی و اشرافی خارج کرده و آن را در چارچوب دولت ملی قرار دهند. دولت با توجه به قراردادی که با شهروندان می‌بندد اصلی‌ترین منبع و مرجع حکمرانی می‌شود و اقتدار مشروع و عالی خود را بر همه تابعین اعمال می‌کند. بر اساس قرارداد شهروندان که در یک واحد سرزمینی و جغرافیایی قرار گرفته‌اند و پذیرفته‌اند که دولتی را برای امنیت و رفاه خود خلق کنند، مشخص می‌کنند که در چه مواردی امنیت سیاسی‌شان به خطر می‌افتد و چگونه دولت باید مداخله کند تا امنیت بازگردد. دو موضوع وجود دارد که به عنوان بدیهی‌ترین امور در مورد امنیت سیاسی در عصر مدرن به رسمیت شناخته می‌شود. اول مربوط به جغرافیای سرزمینی و مرزهای مشخص شده ملی است، که دولت باید در صدر مسائل امنیت سیاسی خود حفاظت از مرزها و حفظ تمامیت ارضی را قرار دهد و به هیچ عنوان تکه‌ای از خاک سرزمین خود را در جنگ با کشورهای خارجی یا بر اثر ادعاهای اقلیت‌های خاص در کشور واگذار نکند و یا به تجزیه راضی نشود. بعد از جغرافیا بدیهی‌ترین اصل امنیت سیاسی به شهروندان برمی‌گردد، که حکومت باید با توجه به قرارداد و قانون اساسی که با تابعان خود بسته است تمام تلاش خود را به کار ببرد که از داخل یا خارج از مرزها عواملی باعث به خطر افتادن امنیت شهروندان نشود. شهروندان هر گاه از سوی جنگ طلبان و آشوب‌گران و دزدان داخلی و خارجی تهدید شوند که مال، جان و یا ناموسشان در خطر است، دیگر آن جامعه امنیت ندارد و دولت ملی باید تمام تلاش خود را جهت سرکوب و نابودی متجاوزان و به حالت اول درآوردن محیط برای شهروندان در حالت دوم، به کار گیرد. به این ترتیب دولت ملی دو هدف عمده در تامین امنیت سیاسی دارد که به دواصل جغرافیا و شهروندان بازمی‌گردد و باید به شکلی امنیت تامین شود که این دو هدف امنیت سیاسی در صدر قرار گیرند.

امنیت سیاسی ساختاری پیدا کرد که بر اساس الگوهای اعمال قدرت و محدود کردن قدرت در تکنولوژی های مکانیکی قابل فهم است. به این شکل که عالمان علم سیاست به این نتیجه رسیدند که برای قدرت در عرصه عمومی و شکل های متعدد آن در میان اجتماعات انسانی نیاز به مبانی عقلانی و ثابت شده ای دارند که به انسان ها و رفتار آنها ربط نداشته باشند. با پایه گذاری دانش مکانیکی در علم سیاست سامانه های اعمال و محدود کردن قدرت به سمت بروکراسی سازی و ایجاد نهادهای اداری حرکت کرد که جدای از رای، اندیشه و قصدیت سیاستمداران بود. این فهم و درک مدرن که به جایگاه بیش از شخصیت انسان ها بها می داد باعث شد که جریان قدرت بر اساس قاعده و اصول قابل پیش بینی به سمت تقسیم شدن در جامعه حرکت کند و با مینا قرار دادن دولت ملی خشونت های داخلی و خارجی به شکل علمی و حقوقی حل و فصل گردد. مکانیک قدرت مدرن با استفاده از تکنولوژی های سیاسی توانست با اصولی چون بروکراسی، دموکراسی، تقسیم قوا، حقوق طبیعی، تفکیک قوا، قانون اساسی، حقوق شهروندی، انتخابات، جامعه مدنی و شکلی از توزیع قدرت را در دولت شهرها ترسیم کند که به عقلانیت، پیش بینی پذیری، رفاه و شادی شهروندان نزدیک تر باشد (هابرماس، 1386: 88). در حالی که تکنولوژی های متافیزیکی قدرت به شدت شخصی، قیاسی، استبدادی و کیفی بودن و باعث می شدند، هیچ مبنایی برای امنیت سیاسی جز اراده و نیت هیات حاکمه وجود نداشته باشد اما در تکنولوژی های مکانیکی قدرت مدرن سازمان ها، ادارات، حقوق، مجلس، انتخابات، رسانه ها و سایر نهادهای حزبی و صنفی ای تدارک دیده شده بود که حتی اگر فردی ظالم، فاسد و جانی نیز باشد نتواند منافع ملی را نابود کند و امنیت سیاسی را به خطر اندازد (Philip, 2010: 38). تکنولوژی های مکانیکی قدرت باعث شدند که دایره امنیت از سطح دربار و شاهزاده ها به سمت شهروندان حرکت کند. اکنون اموری که تمامیت ارضی و جغرافیای سرزمینی را از یکسو، و جان و مال و ناموس شهروندان را از سوی دیگر به خطر می انداخت عوامل امنیتی قلمداد می شدند، که دولت ملی باید برای آنها چاره ای می اندیشید. ملی گرایی و تاسیس دولت های مدرن خاک و سرزمین را برای شهروندان دارای اهمیت ساخت و از سوی دیگر شهروندان نیز به موضوع بسیار مهم برای دستگاه حاکمه تبدیل شدند. انگار امنیت سیاسی در عصر مکانیک و فیزیک کاملا متفاوت با عصر متافیزیکی بود چرا که در شکل نظام های امپراطوری هخامنشیان و یا حکومت های چین باستان رعیت وظیفه داشت، که امنیت حکومت و قلمروهای متغیر آنها را با جان و مال خود حفظ کند اما در عصر مدرن وظیفه حکومت است که از جغرافیا و جمعیت کشور خود محافظت نماید و امنیت شهروندان را به هر شکل ممکن تامین نماید تا مشروع قلمداد شود. امنیت سیاسی مفهومی کاملا علمی، عقلانی و به رسمیت شناخته شده پیدا کرد که قدرت مندی حکومت ها نیز در توانایی به کاربردن استراتژی هایی بود که برای حفظ قلمرو سرزمینی و رضایت شهروندان خود به کار می گرفتند و زمانی که از رسیدن به منافع ملی و دفاع از شهروندان و حفظ امنیت سیاسی آنها ناتوان می شدند دچار بی مشروعیتی می شدند و فرایند اصلاح یا انقلاب می افتادند.

در دوران کلاسیک دولت ها حتی از امنیت دادن مالی و جانی به رعیت هم ناتوان بودند و اغلب ثبات مرزی نیز وجود نداشت. در دوره مدرن با به وجود آمدن دولت مملت، هدف اولیه و ظاهری همه حکومت ها حفاظت از مرزها و شهروندان بود، به نحوی که امنیت آنها پاس داشته شود. البته امنیت بخشیدن به جمعیت به راحتی امکان پذیر نبود، چرا که جماعت های انسانی به محض اینکه به سطحی از امنیت، آرامش و رفاه می رسند با توجه به قانون توقعات فزاینده

خواسته های خود را بالاتر می‌برند و اموری که در قدیم باعث امنیت بخشیدن به آنها می‌شد، اکنون از آن توان برخوردار نیست. به این معنا امنیت گاهی با کارکردهای رژیم سیاسی در جهت عکس حرکت می‌کند، یعنی ظالم‌ترین فاسدترین حکومت‌ها توان مقاومت و ایستادن در برابر مردم را دارند و می‌توانند به بقای خود ادامه دهند. اما به محض اینکه حکومتی امنیت و رفاه را برای شهروندان مهیا کرد در درجه اول زمینه را برای نابودی و زیر سوال بردن خود فراهم کرده است. به علت وجود داشتن قانون، نسبی بودن امنیت و حرکت کردن خواسته های شهروندان متناسب با روزگار است که عده ای امنیت را نیز مفهومی ذهنی و کاملاً برآمده از کارکردهای حکومت، میزان توانایی و آگاهی شهروندان و همین‌طور نگاه به آینده آنها می‌دانند. اگر این قانون را به این شکل در علم سیاست مطرح کنیم قابل درک خواهد بود، که چرا حکومت‌های پدرسالارانه و سلطنتی در تاریخ عمر زیادی داشتند و اغلب رعیت های آنان قیام، شورش و یا حتی اندیشه اصلاح نیز به ذهنشان نمی‌رسید.

دولت های مدرن نمی‌توانند بر مفهومی ایستا به معنای حفظ جغرافیا و جمعیت از تهدیدات داخلی و خارجی تاکید کنند، چرا که ذات منافع، تهدیدات و امنیت سیاسی هر روز با توجه به عوامل بسیاری در حال تغییر می‌باشد. در ابتدا دولت باید امنیت را در بعد ظاهری جان و مال مردم رعایت کند. کارکردهای حکومت برای تامین امنیت در دستگاه فکری فیزیکی به شکل حکومت مندی مکانیکی بروز می‌کند که در آن قدرت پلیسی امنیت شهرها را حفظ می‌کند. جلوگیری از خشونت و ایجاد کردن دستگاه قضایی و اداری به منظور توزیع منابع قدرت در جامعه بر عهده حکومت می‌باشد. البته حکومت در بعد داخلی با صرف بودجه و توان بالا سعی می‌کند که مرجع نهایی اعمال حکم و از سوی دیگر دفاع از حقوق شهروندان را برعهده بگیرد. پلیس، قوه قضاییه و ارتش وظیفه حفاظت جان شهروندان در برابر تهدیدات داخلی و خارجی را برعهده دارند. دولت باید از همه احزاب، اصناف، گروه های ذی نفوذ و بخصوص لابی های فرو و فرا ملی قدرتمندتر باشد، تا بتواند امنیت داخل مرزهای دولت ملی را برای شهروندان ایجاد نماید. حرکت بعد از امنیت جانی برای برنامه ریزی سیاسی دولت مکانیکی مربوط به اقتصاد و سروسامان دادن به حیطة سود و زیان بانکی است که برای شهروندان به قصد رسیدن به رفاه و داشتن امکانات اولیه بسیار اهمیت دارد. در این بعد دولت از غایت های جنگی به سمت غایت های اقتصادی در حرکت است تا شهروندان با انصاف، عقلانیت و سایر وجوه تمدن مدرن بتوانند امنیت داشته باشند و از زندگی در کشور خود لذت ببرند. موضوع بعد در امنیت سیاسی راجع به سطوح فرهنگی در جامعه می‌باشد، زمانی شهروندان احساس امنیت فرهنگی و هویتی می‌کنند که هر هویت مرکزی ای هویت ها پیرامون را به رسمیت بشناسد. هر کدام از موارد بالا از قبیل وابستگی سیاسی، شکست در جنگ، نابود شدن اقتصاد ملی و تحقیر شدن هویت ملی می‌تواند ضربات بسیار هولناکی را به امنیت سیاسی کشور بزند. ما از گذشتگان آموخته ایم که با زندگی کردن در کنار یکدیگر بدون داشتن یک خرد جمعی که متبلور در دولت شود نمی‌توان امنیت تک تک انسان ها را تامین کرد و شاید به همین دلیل است که داشتن دولت را برابر با عقلانیت و شروع تمدن بشری می‌دانند. البته هر حکومتی نمی‌تواند به راحتی و با رها کردن امور به دست حوادث امنیت را تامین کند. در دوره مدرن بعد اول امنیت مربوط به جان انسان ها و از دست ندادن تمامیت ارضی بود که در جغرافیا و سرزمین خلاصه می‌شد. اما این بعد امنیت را، کشورها و دولت های استبدادی و حتی بسیاری از امپراطوری‌های سنتی نیز دارا بودند. آنچه عقلانیت مدرن را از

قدیم متمایز می‌کرد، حرکت کردن به سمت اقتصاد و کشاندن دایره امنیت از امور نظامی و جنگ به اقتصاد و فعالیت های تجاری بود. حکومت تنها وظیفه نظامی و امنیتی نداشت بلکه در کنار حل اختلاف و سرکوب مهاجمان داخلی و خارجی، باید می‌توانست رفاه و امنیت اقتصادی را نیز برای شهروندان خود تامین می‌کرد. داشتن اقتصاد پویا و وابسته بودن در کالاهای استراتژی باعث می‌گردید، که هر دولت ملتی به تنهایی سرمایه و توان خود را در بیراهه مصرف نکند. اما علاوه بر امنیت اقتصادی بشر در دوره مدرن به این نتیجه رسید که یکی دیگر از وظایف حکومت‌ها به وجود آوردن امنیت فرهنگی و رضایت خاطر بود که به دور از فضای جنگ، نظامی‌گری و حتی اقتصاد تعریف می‌شد و مربوط به احساسات، فکرها و ایستارهایی بود که شهروندان در مدت زندگی خود آنها را خودآگاه یا ناخودآگاه آموخته بودند. در اینجا نقش دولت از شکل پلیسی به نقش شبانی تغییر جهت پیدا می‌کند و با استفاده از نمادها، نهادها و زبان های گوناگون قدرت انحصار کامل فرهنگ، ادب و بسیاری از آداب و رسوم اجتماعی از سبک غذا، آرایش، لباس تا نحوه فکر کردن نیز به استانداردسازی های دولت برمی‌گردد. دولت باید سامانه‌هایی را تدارک ببیند که شهروندان احساس کنند قدرت داخلی و خارجی را خود ایجاد کرده‌اند و اکنون نیز حاکمیت آن به دست کسانی است که دغدغه امور فرهنگی و اصول دموکراسی را دارند.

در بعد روابط میان دولت ملت‌ها در عصر مدرن منافع ملی به رسمیت شناخته می‌شود و هر کشور بر اساس فهمی که عمدتاً بر واقع‌گرایی استوار می‌شود به دنبال تامین امنیت سیاسی خود می‌باشد. دولت‌ها توان نظامی و اقتصادی خود را در محیط بین‌الملل بالا می‌برند و با ترویج نامحسوس و هنری فرهنگ ملی خود در قالب زبان، ادبیات، موسیقی، فیلم، شعر و یا سایر کالاهای عمومی جذاب از جهان‌گردی تا غذا و مذهب سعی می‌کنند، هویت خود را در جهان به شکلی عقلانی و انسانی و دارای تعامل سازنده با سایر کشورها نشان دهند. به طور خلاصه در دوره مدرن امنیت سیاسی به موضوعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ای برمی‌گشت که قصد داشت با ابزارهای گوناگون از تهدیدات علیه جمعیت و جغرافیای دولت مدرن جلوگیری کند. امنیت سیاسی مربوط به دوره مکانیکی عصر فیزیک برمی‌گردد که بشر تا اندازه‌ای موفق شده است مرزهای عقل سیاسی و عمل سیاسی را جدا کرده و نیروهای سیاسی را در دولت ملی با رویکرد بروکراتیک از بالا و دموکراتیک از پایین به نحوی مراقبت و نظارت کند که توان، جسارت و قدرت نمایی عوامل ضد ملی کاهش یابد. این مهم با کمک علم سیاست و حکومت‌مندی مکانیکی، قابلیت تحقق پیدا می‌کند.

تکنولوژی‌های اطلاعات و امنیت سیاسی در عصر جهانی شدن

به باور بسیاری از پژوهشگران، عرصه تحولات سیاسی دیگر نمی‌تواند امنیت کشورها را بر اصول بدیهی انگاشته شده در دوره مدرن ایجاد کند و با استفاده از تکنیک‌هایی چون دولت ملی، انتخابات، احزاب، رسانه‌های دولتی، موازنه قوا و سازمان‌های بین‌الملل از امنیت شهروندان جهانی حفاظت کند. اینکه امنیت در عصر جدید به لحاظ سیاسی چه مواردی را شامل می‌شود (Tilly, 1998:394-400)؛ واحد سیاسی‌ای که شهروندان جهانی به آن اعتماد دارند در کجا در حال شکل‌گیری است؟ و از همه مهمتر چه کسانی و با چه ابزارهایی می‌توانند امنیت بشری را تضمین کنند؟ همه به علت تغییر نظام‌های معرفتی، تغییر عصر و تغییر تکنولوژی، تحولی اساسی پیدا کرده است. متن زندگی انسان‌ها

عوض شده است و متناسب با آن دیگر زندگی خانواده‌های متمرکز، نشسته پای تلویزیون و یا دلخوش به خبرهای روزنامه و رادیو و شرکت کنندگان در احزاب و مدافعان منافع ملی و همین‌طور بروکرات‌ها بسیار تغییر کرده است و تا حدی برخی واژگان مثل امپریالیسم، منافع ملی، انحصارات دولتی، دولت رفاه، فرهنگ توده‌ای، شهروندان ملی و ... در حال تبدیل شدن به آرشیوهای موزه‌ای، برای درس تاریخ اندیشه‌های سیاسی می‌باشند. همانطور که در کلاس‌های سیاست گذاری قرن بیستم با رویکردهای تفهیمی، ساختاری، ساختگرا یا پراگماتیستی از وبر، مارکس تا آلتوسر و گیدنز به آثار فیلسوفان و آرمان‌گرایانی چون افلاطون، آگوستین و حتی هابز نگاهی تحقیرآمیز و غیرکاربردی می‌انداختند، امروزه در قرن بیست و یکم نیز میراث مدرنیته از منظر رویکردهای انعکاسی، انتقادی، سازه‌ای و پسامدرن با نقدی شالوده‌شکنانه مواجه شده است، به نحوی که برای همگان بدیهی شده است که بشر در حال تجربه زیست-جهانی به شدت متفاوت از دوره مدرن می‌باشد. آن نقطه اقلیدسی اعتماد به ریاضیات و منطق فیزیک مکانیکی زیر سوال رفته است و لویتان دولت که انحصارگر مرگ، زندگی، قانون، فرهنگ، فکر، اقتصاد و ... در عصر مدرن به شمار می‌رفت، اکنون به دام بازنمایی‌های عرصه مجازی افتاده است که روز به روز شهروندان خود را در فضای جهانی از دست می‌دهد و اشرافیت سیاست و رازآلودگی آن در شبکه‌های مجازی، توسط دوربین‌های تلفن همراه و کلیپ‌هایی که سر از خصوصی‌ترین وجوه قدرت درآورده اند افشا می‌شود. بشر در حال نزدیک شدن به یکدیگر می‌باشند، اما دولت ملت‌ها با استدلال‌ها و مشروعیت‌هایی غایی بسیار خنده‌دار بر تفاوت‌ها و حفظ منافع ملی پافشاری می‌کنند (نای، 1387: 141) و شاید به همین علت باشد، که به گفته "کالین‌های" مردم از سیاست در عصر اطلاعات به شدت تنفر دارند. قدرت با سامانه‌های جدید، روزمره، از پایین به بالا در قالب نمادها و زبان‌های مجازی، سایبری و فرهنگی در حال تولید شدن است و این موارد سرشت امنیت را نیز دچار تحول بنیادینی ساخته است (Hoy, 2007).

مبنای تغییر مفهوم امنیت در بعد معرفت‌شناسی به الزامات فیزیک کوانتوم برمی‌گردد. فیزیک نیوتنی بر اساس ادعاهای پوزیتیویستی و کاملاً ریاضی‌گونه خود، ادعا داشت تنها راه دستیابی به سعادت و فضیلت، در این دنیا وجود دارد و اگر انسان‌ها با روش‌های عقلانی و محسوس به کشف جهان با خلیقات تجربه و آزمایش بپردازند می‌توانند، بسیاری از امور ناآرام و بی‌قطعیت در دنیا را به رام خود درآورند. این روش با استفاده از تکنولوژی‌های مکانیکی در عرصه سیاسی به خلق دولت و سپس اجازه دادن به آن برای انحصارگری انجامید و پس از آن هر مفهومی برای اصلاح در قالب شهروندان ملی، منافع ملی استوار گردید. امنیت سیاسی نیز به کار گرفتن تکنیک‌های آرمان‌گرا و واقع‌گرایی شد که از راه اقتصاد، فرهنگ و نظامی‌گری به دنبال آن بودن که جغرافیا و جمعیت دولت ملی را حفظ نمایند. معرفت‌شناسی سیاست مدرن به دو سطح عین و ذهنی بازمی‌گشت که با شیوه‌های تفهیمی، ساختاری و بروکراتیک سعی داشت با فرهنگ مشارکتی، انتقادی و تخصصی به صورت نهادی جلوی ناامنی را سطح کند. اتفاقی که در عصر اطلاعات افتاده است، این است که از سال 1990 به بعد بشر با جنبه‌های جدید از وجودشناسی و هستی آشنا شده است و نیروهای غیر قابل محسوسی را به خدمت گرفته است که تاثیر بسیار زیادی بر امنیت دوران مدرن داشته‌اند و حتی می‌توان گفته به طور کامل تعریف امنیت، غایت امنیت، شیوه‌های عملیاتی شدن و سیاست‌گذاری امنیت را به هم ریخته‌اند. به لحاظ اندیشه‌ای عصر اطلاعات به بشر جهان مجازی را آموخت، که چگونه می‌تواند علاوه بر دوگانه

انگاری های عین و ذهن، عرصه‌ی دیگری به نام فضای شبکه ای و مجازی وجود دارد که جهانی، تمرکززدا، مخاطب محور و غیرمحسوس و بی انتهاست و با این شکل از تکنولوژی ها انسان بر آن شد، که آنها را به صورت تکنیکی به عرصه انسانی و سیاسی نیز بکشاند. انسان اکنون توانایی مجاری نیز پیدا کرده است و همین امکان باعث فرارفتن از کلیشه ها و اخلاق توده ای را فراهم می کند.

تکنیک‌های ارتباطی نزدیکی بسیار زیادی به تولید و حفاظت از امنیت در کشور دارند. سیستم های ارتباطی ساده و شفاهی بیشتر مدل های سلطنتی و پدرسالاری را تولید می کرد و امنیت تولید شده نیز بیشتر به چارچوب ذهنی دربار بستگی دارد و به علت تمرکز قدرت سلطان، هر کاری را مختار به انجام است و شبکه ای از روابط اجتماعی شکل نمی گیرد، که منافع و امنیت را جز در ساختار استبدادی تفسیر کنند. شکل سنتی و شفاهی توان ایجاد اعتماد میان مردم و رساندن آنها به حد اعتماد به نفس برای بیان خواسته هایشان را ندارد. در عصر مدرن تکنیک های ارتباطی به سمت کتبی شدن و در نهایت تصویری شدن حرکت کرد. شکل بروکراتیک و دموکراتیک قدرت سیاسی ریشه در روزنامه، کتاب، مجلات و بعدها رادیو و تلویزیون داشت. این شکل ارتباط رسانی انسان‌ها، در حد مرزهای ملی دور هم گرد آورد به آنها خرد جمعی و اعتماد عمومی بخشید، تا در مقابل استبداد، استحمار و استثمار بایستند. امنیت مدرن به شدت ملی گرا بود و سامانه های سیاسی دولت نیز با انحصار خاصی مراکز، نهادها و ابزارهای اطلاع رسانی و فرهنگ سازی مثل مدرسه، دانشگاه، انتشارات و صدا و سیما را در اختیار خود گرفتند. عصر مردن امنیت را مفهومی گسترده تر ساخت اما امنیت سیاسی مکانیکی چندان اشکال عمده داشت. اول اینکه اگر چه اشرافیت علمی و مذهبی و قدرت دربار را شکست داده بود و قدرت را به مردم سپرده بود اما دوباره عده ای از مردم را به شکل انحصار و انقیاد بسیار بیشتری بر بقیه حاکم کرده بود. دولت خدای جدیدی بود که با روش های مارکسیستی، فاشیستی، رفاهی و ملی گرایانه از بعد پلیسی و مراقبتی به بعد شبانی و هدایتی وارد می شد و به تمام بخش های عمومی و خصوصی زندگی شهروندان وارد می شد. از سوی دیگر به علت تک گفتاری و مولف محوری بیش از اندازه رسانه های کتبی و تصویری توده گرایی عوامانه گوسفندصفتی در شهروندان ایجاد می گردید که عقل فردی، خلاقیت و حقوق افراد به خصوص اقلیت‌ها را در غوغای جمعی نابود می ساخت. بعد از دوره مدرن تکنولوژی‌های چند رسانه ای مثل ماهواره، تلفن همراه و اینترنت در شکل رایانه های سبک و قابل حمل ایجاد گردید که توانایی ارتباطی و تکنیک های اطلاعاتی بشر را از مرزهای دولتی فراتر برد (McSweeney, 2004:68-72) و باعث شد بشر با استفاده از این تکنولوژی ها بدون سلسله مراتب با استراتژی های عدم تمرکز (tofler, 1970:137) و از همه مهم تر مخاطب محور بودن و انتقادی بودن آزادانه در شکل جهانی به یکدیگر اعتماد کنند و از حصار خودشیفتگی های گوناگون درآیند و به یکدیگر نزدیک شوند. موبایل در ارتباطات کلامی، خطی و تصویری انقلابی خارق العاده ایجاد کرده است. اینترنت شبکه های از هویت ها، جریان‌ها و جنبش‌ها را ایجاد نموده است و باعث به وجود آمدن فرصت ها و امکاناتی برای عرصه سیاسی شده است. مفهوم امنیت اکنون باید خود را در عصر اطلاعات بازسازی نماید. اطلاعات کشورها به راحتی در دسترس شهروندان جهانی قرار می - گیرد و گروه های محیط زیستی و فعالان حقوق زنان و حقوق بشر در همه جای دنیا به صورت جنبشی فعال در مقابل دولت های ملی ایستاده اند. تبادل عکس، نوشته، موسیقی، فیلم، خبر، تفسیر، مقاله و کتاب سرعتی خارق العاده پیدا

کرده است و انحصارگری دولت‌ها کاملاً در زمینه فرهنگ و هویت ملی زیر سوال رفته است. مجموعه‌ای از کارتل‌ها و تراست‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و رسانه‌ای دنیا در کش و قوس با لابی‌ها و شهروندان جهانی در حال تعریف استانداردهای زندگی برای بشر هستند. آنچه مینا قرار گرفته است، لذت مصرف‌گرایی و تنوع تصویری و خبری است که کم‌کم بشر را به زندگی شبیه‌سازی شده در جهان مجازی، عادت می‌دهد (آرنت، 1389: 191) (بودریار، 1389: 119). سرعت، عدم قطعیت، نسبی‌گرایی، لذت، دایره وسیع انتخاب و ... باعث شده است که امنیت به راحتی نتواند، خود را در ابرروایت‌های ملی، مذهبی، راست یا چپ تعریف کند و به یک معنا بشر به امنیت در عصر پسامدرن وارد شده است و به راحتی نمی‌تواند با شمع، کتاب، اخلاق، تلویزیون، احزاب و سیستم‌های سنتی و مدرن برآمده از آنها همزیستی داشته باشد چرا که چشم و گوشش باز شده است و تازه فهمیده است که چه حماقت‌های متعصبانه‌ای را شکل داده است.

تکنولوژی‌های سایبری، در عصر اطلاعات به دو شکل در سامانه‌های حکومت‌مندی، به اعمال کردن و محدود کردن قدرت می‌پردازند و بر این اساس سیاست‌گذاران امنیتی در هر کشوری می‌توانند با آگاهی از این دو حوزه، خطرات و فرصت‌های آن را شناسایی کنند و در جهت اداره بهتر جمعیت و جغرافیا از آن بهره‌گیری کنند. بدترین شکل سیاست‌گذاری امنیتی در عصر اطلاعات مربوط به کشورهایی است که اصلاً ذهنشان فهمی از این تحول بنیادین ندارد و کشور را به سمتی می‌برند، که آشنای با سیاست‌های اندرزی و یا مکانیکی خودشان باشد، در حالی که شهروندان و ابزارهای تکنیکی در عصر کوانتوم است. این گونه برخلاف جهت تاریخ حرکت کردن، باعث می‌شود حتی اگر همه الزامات امنیتی برای کشور رعایت شده باشد، چون تغییر عصر و پارادایم درک نشده است با کژکارکردی‌های زیادی از جمله بحران اخلاقی، ریاکاری، فساد، به هم خوردن جایگاه‌ها و نابودی سرمایه اجتماعی رو به رو شویم. تکنولوژی‌های ماهواره‌ای و رایانه‌ای باعث شده‌اند، دولت‌ها در اعمال کردن قدرت خود انحصار قبلی را از دست بدهند اما در نوع قدرتی که اعمال می‌کنند درجه تخصص، شفافیت، کارآمدی، تمرکززدایی و از همه مهم‌تر کنترل و مدیریت بالاتر رود. نمونه این مطلب را می‌توان در بحث دولت الکترونیک مشاهده کرد (یعقوبی، 1386). امروزه اگر واحد سیاسی نتواند خدمات بانک، بیمه، بهداشت، آموزش، و اغلب کالاهای عمومی خود را به شیوه الکترونیکی و بر خط ارائه دهد با کاهش مشروعیت داخلی و قطع ارتباط با خارج مواجه خواهد شد. دولت الکترونیک با زیرساخت‌های مخابراتی و سخت‌افزاری و دانش نیروی انسانی و امکانات نرم‌افزاری کمک بسیار بزرگی به امنیت کشورها در عصر پسانصنعتی کرده است و باعث شده است که تنها کشورهای دارای دولت الکترونیک بتوانند در محیط جهانی شده به رقابت و بقا ادامه دهند. با استفاده از دولت الکترونیک بسیاری از ثبت نام‌ها، دادن مجوزها، نظارت‌ها و ارائه خدمات دولتی به شهروندان صورتی سریع و شفاف پیدا می‌کند، که این امر امنیت سیاسی را بسیار افزایش می‌دهد. از سوی دیگر برقراری انتخابات الکترونیکی از طریق باجه‌های عمومی، تلفن، اینترنت و موبایل باعث می‌شود که روز به روز جوامع در عصر اطلاعات به سمت دموکراسی‌های مستقیم و مشارکت حداکثری مردم حرکت کنند. مشارکت سیاسی بروکراتیک قدیمی بسیار کند، غیرشفاف، مبتنی بر نظام حزبی و نمایندگی بود که مردم را در اشراف‌سالاری‌های راز و رمزگرایانه‌ای قرار می‌داد و دست کمی از قدرت دربار، کشیشان و نظامیان نداشت. از دیگر شیوه‌های اعمال قدرت در عرصه خارجی برای

کشورها می‌توان به بعد دیپلماسی اشاره کرد که باعث می‌شود ارتباطات شرکت‌ها، گروه‌ها، جنبش‌ها، سازمان‌ها و افراد و کشورها بسیار آسان‌تر و بدون واسطه صورت گیرد (Kirshner, 2006:321). امروزه روابط خارجی و مبحث دیپلماسی تنها در انحصار دولت‌های ملی نیست، بلکه بسیاری از عناصر و بازیگران فرو و فرا ملی توانسته‌اند به صورت هویت موثر و پراهمیت در فرایندهای روابط بین‌الملل شریک شوند. به عنوان مثال سازمان‌های حقوق بشری، جنبش‌های صلح و محیط زیست و گروه‌های تروریستی توانسته‌اند در محیط بین‌الملل طرفداران بسیاری را خلق کنند و به عضوگیری، آموزش و کنش سیاسی در سراسر جهان بپردازند به نحوی که نقشی بیش از برخی دولت‌های ملی را دارا می‌باشند. کشوری که بتواند با استفاده از دیپلماسی عمومی و تاثیرگذاری بر افکار عمومی منافع خود را پیش ببرند و از تهدیدهای اقتصادی و نظامی و اجماع جهانی علیه کشور خود جلوگیری کنند (پوراحمدی، 1388: 202-210).

از سوی دیگر مقوله امنیت سیاسی در عصر اطلاعات تنها به تحکیم قدرت در اعمال از پایین به بالا ندارد. کشورها باید فکری به حال شهروندان خود بکنند که در معرض نمادها، دال‌ها و فرهنگ‌های دیگر قرار گرفته‌اند و اغلب خود را شهروند جهانی قلمداد می‌کنند، که دولت ملی‌شان جلوی ترقی آنها را گرفته است و به صورت غارت‌گری درآمد است که سرستیز با شهروندان را پیدا کرده است. در عصر تکنولوژی‌های چندرسانه‌ای و فضای شبیه‌سازی شده (خالقی، اسلامی، 1389: 113)، شهروندان محصور در مرزهای ملی با بمباران اطلاعاتی و دامنه‌های بسیار وسیع دیگر انحصارگری دولت در فرهنگ، دانش و اطلاعات را قبول ندارند و بسیاری به دنبال خلق هویت‌های قومی، مذهبی، جهانی و انسانی می‌گردند. دولت‌ها و سیاست‌گذاران باید با درک این شرایط گذار مجموعه تدابیری را بیندیشند که جو عصر اطلاعات شهروندان کشور را در مقابل نظام سیاسی خود قرار ندهد تا با ایجاد شبکه‌های اجتماعی گسترده و تبلیغ نمادها و زبان ضدیت با وضع موجود انقلاب پنهانی و نرم را برضد حکومت پایه‌ریزی کنند. برای داشتن امنیتی خلاق، پویا و انعطافی در عصر اطلاعات، نیاز به طراحی زبان و هویت ملی به صورت خودجوش کردن فضای ارتباطی و امکان فعالیت‌های انتقادی داریم تا شهروندان به دور از هدایت‌ها و تزریق مستقیم دال‌های قدرت، از کشور و سرزمین خود بیگانه نشوند. ایجاد سامانه‌های جامعه مدنی مجازی، دموکراسی دیجیتال، رسانه‌های محلی منتقد، حوزه عمومی فعال و مشارکتی باعث می‌شود که شهروندان دولت و کشور خود را در عصر اطلاعات پناهگاه خود بدانند که در همه زمینه‌ها به یاری آنها می‌آید (معمدثاد، 1389: 24). یکی از بزرگترین تهدیدات کشورهای در حال توسعه به لحاظ امنیت سیاسی جوانان بیکار تحصیل کرده‌ایست که به ناگاه با ابزارهای تکنولوژی اطلاعاتی آشنا شده‌اند و هیچ رژیم سیاسی نمی‌تواند توقعات فزاینده آنها را که از هر متنی خارج شده‌اند برآورده سازد. بنابراین در عصر اطلاعات مفهوم امنیت سیاسی با توجه به فرایند جهانی شدن، شکل‌گیری جنبش‌های جهانی، رواج تکنولوژی‌های اطلاعاتی و رشد کردن شهروند جهانی از شکل دولت ملی و تکنولوژی‌های مکانیکی خارج می‌شود (ایگلتون هابرماس، 1389: 51). امنیت سیاسی نمی‌تواند تنها با اقتصاد، فرهنگ و نمادهای دولت ملی خود را بازسازی کند چرا که وجوه سازه‌ای و فرهنگی به تعریف امنیت وارد می‌شود. امنیت تنها به حفظ جغرافیا و جمعیت دولت ملی به صورت سخت‌افزاری منحصر نمی‌شود بلکه دایره امنیت وجوه قدرت نرم را نیز دربرمی‌گیرد و سیاست‌گذاران امنیتی باید بتوانند با توجه تغییر جوهره سیاست و قدرت و وارد شدن به پارادایم‌های جدید امنیت برای مواردی چون تروریسم، جنبش‌ها، فضای مدنی

سایبری، محیط زیست و طرح‌هایی داشته باشند (اریکسون، 1390: 15). به طور خلاصه می‌توان تغییرات امنیت سیاسی در عصر اطلاعات را در چند بعد زیر به تصویر کشید.

بعد اول مربوط تغییر فضایی می‌شود که به مجازی شدن روابط، عقل و تمامی وجوه زندگی ربط پیدا می‌کند. در عصر اطلاعات وجوه سایبری، و مجازی آنقدر دارای اهمیت می‌شوند که اساساً امنیت به دو شاخه سخت افزاری و نرم افزاری تقسیم می‌شود. انسان‌ها در روزمره خود آنقدر به زندگی مجازی و روابط سایبری و شبیه سازی شده عادت می‌کنند، که در بسیاری اوقات مرز بین دنیای واقعی و مجازی به هم می‌ریزد. امنیت سیاسی در صورتی کامل خواهد بود که سیاست گذاران نسبت به عرصه مجازی و شبیه سازی شده آگاهی داشته باشند. شهروندان در معرض اطلاعات و نمادها و فرهنگ های موجود در فضای سایبر هستند و از حکومت خود توقع دارند در عین حال که بالاترین زیرساخت ها و امکانات را برای بهره برداری از این محیط را در اختیارشان قرار می‌دهند از امنیت شبکه ها و روابط به صورت ضمانت بخشیدن به آنها نیز بهره ببرند. کم حکومت کردن و کارآمد بودن، خواست شهروندان جهانی از دولت های خویش است (Ripsman, 2010: 26) تا زمانی که حاکمیت را کامل از دست بدهند و نهادهای بین المللی و فراملی توان چرخاندن امور بشر را داشته باشند. دولت اگر می‌خواهد در عصر اطلاعات امنیت سیاسی را به نحو متعادلی حفظ نماید باید سیاست گذاری کارآیی در محیط مجازی داشته باشد.

بعد دوم مربوط به تقابل، رویارویی، ارتباط، تعامل و گفتگوی فرهنگ هاست. اکنون سطح فرهنگی نیز در عصر اطلاعات به حیطة امنیت وارد می‌شود. این هنر سیاست است که بتواند با توجه به باز شدن گوش و چشم شهروندان، رویکردها و جهان بینی های گوناگون را اداره کند. داده در اثر تفسیر به اطلاعات تبدیل می‌شود و اطلاعات به صورت تبلیغ و بارش مداوم به فرهنگ هایی با طرفداران خاص خود تبدیل می‌گردد. دولت ها از سوی اطلاعات بی شمار و فرهنگ های متنوع دچار بحران و کاهش امنیت می‌شوند. دیگر شهروندان از نظام آموزشی، اطلاعاتی و رادیو و تلویزیون رسمی اخبار و تفسیر را نمی‌شنوند، بلکه اکنون رسانه ها به صورتی شهروندان را قدرتمند و تولیدگر ساخته اند که مخاطبی توده ای نیستند، که در انتظار آماده و ناخودآگاه گوش دادن به دال ها باشند. شهروندان از طریق تولید زبان ها و فرهنگ های گوناگون می‌خواهند خود را در جامعه مطرح کنند. فضای شهروندی از طبقات اشرافی و متوسط، به بالا به سمت شهروندان پایین، حاشیه ای و حتی بسیار فقیر ولی آگاه، کشیده شده است که به راحتی ناخودآگاه جمعی و قدرت همبستگی جامعه را قبول ندارند و به دنبال آنند که کنش گری های زیادی انجام دهند (Williams, 2007: 92-120). دولت ها و سیاست گذاران امنیت اگر اینگونه از هویت خواهی و گسترش دامنه شهروندی را درک نکنند در مقابل جنبش‌ها، اطلاعات و فرهنگ های گوناگون و تمام نشدنی قرار می‌گیرند و ممکن است که وقت، هزینه و قدرت خود را با کاهش مشروعیت از دست بدهند (کلمن، 1387: 167-196). فرهنگ یکی از عرصه های اصلی امنیت محسوب می‌شوند و حکمرانی جر با اعمال قدرت بر قلب ها امکان پذیر نیست. دایره صاحبان حق زیاد شده است و فرهنگ های گوناگون به شکل های متنوع و با تمام قوا به صحنه آمده اند که گاهی زمینه مداخله کشورهای دیگر و نابودی کشورهای جهان سوم با وجوه فرهنگی مشروع جلوه داده می‌شود (Sandole, 2007: 197).

بعد سوم امنیت به خاصیت تکنولوژی های چندرسانه ای و فضای بازنمایی ناشی از آنها بازمی‌گردد. بودجه بسیاری از سازمان ها و مراکز دولتی در عصر اطلاعات صرف آن می‌شود که بتوانند بر ذهنیت مخاطبان خود اثر بگذارند. دیپلماسی عمومی در عرصه روابط بین الملل در جهت تامین امنیت کشور به صورت استفاده از قدرت نرم و فرهنگی است. ماهواره، اینترنت، دوربین های موبایل و حتی بازی های کامپیوتری شکلی از زندگی را برای بشر قرن بیست و یکم را ایجاد کرده اند که امنیت را در مدل ها بازنمایی قرار می‌دهند (Smith,2006:32-35). بازنمایی به معنای جدی نگرفتن واقعیت و توجه به ذهنیت های جمعی است. بازنمایی به سیاست گذاران می‌آموزد که نحوه انعکاس اطلاعات، بیش از خود واقعیت اثر دارد (Macdonald,2007:39-42). در دوره مکانیک و عصر مدرن نیز این مطلب در استراتژی های بازاریابی و جنگ به کار می‌رفت اما در عصر پسامدرن این گزاره به این معناست که اصلا واقعیتی وجود ندارد (نگری،1390:425) و آنچه دیده، شنیده، نوشته و به تصویر کشیده می‌شود وجوهی از بازنمایی های دوری و تکراری است که صورتی بسیار ناپایدار و بی پایان دارند. امنیت سیاسی باید بتواند در این محیط نوسانی، متغیر و به شدت کیفی، طوری دو فضای مجازی و واقعی را سامان دهی کند که از یکسو منافع ملی را حفظ کند و از سوی دیگر با وجود شهروندان توانا و دانا متهم به دروغ، ربا و ناکارآمدی نگردد (Geoff,2006:75-84).

| عصر | متافیزیک | فیزیک | اطلاعات |
|------------------|---------------|--------------------------|-------------------|
| تکنولوژی | دم دستی ساده | مکانیکی | کوانتومی - سایبری |
| قدرت | هنجاری - کیفی | بروکراتیک اداری | نرم سازه ای |
| رسانه | شفاهی | کتبی - تصویری | سایبری - اطلاعاتی |
| نظام سیاسی | پاتریمونیل | جمهوری - دموکراتیک | دموکراسی جهانی |
| واحد سیاسی | امپراطوری | دولت ملی | جهانی شدن |
| موضوع سیاست | رعیت | شهروند دولت ملی | شهروند جهانی |
| منافع ملی | سلطنت - اشراف | دولت ملی - جمعیت - نظامی | فرهنگ - ایدئولوژی |
| متغیر اصلی امنیت | سیاست | اقتصاد - قدرت نظامی | اطلاعات - فرهنگ |
| امنیت سیاسی | متافیزیکی | فیزیکی - مادی | نرم - اطلاعاتی |
| متفکر | هابز-ماکیاول | مورگنتا - کانت | نای - روزنا |

نتیجه

هنوز دولت‌های ملی از بین نرفته‌اند، هر چند بسیار ناکارآمد، فاسد، غارتگر و ناتوان شده اند. اهداف اصلی دولت‌ها در قالب واژگان با شکوه بیان می‌شود. رضایت، افتخار، استقلال، آزادی، رفاه، ابرقدرت شدن و گسترش ایدئولوژی و هژمونی در منطقه و دنیا از اهداف دولت‌ها به شمار می‌رود. امنیت در هر کشوری بستگی به رسیدن به اهداف تعیین شده دارد. امنیت سیاسی در واحدهای سیاسی گوناگونی دنبال می‌شود و بستگی به رابطه دولت با واحدهای ملی،

فراملی و فروملی دارند. موضوع امنیت نیز می‌تواند رعیت، شهروندان ملی و حتی شهروندان جهانی باشند. دولت‌ها با استفاده از ابزارهایی چون جنگ، فرهنگ، اقتصاد و سیاست‌های تشویقی، تنبیهی، اتحادی و ائتلافی به دنبال حداکثر رساندن امنیت خود هستند و در این راه از روش‌های آرمانی و واقع‌گرا استفاده می‌کنند. هدف اصلی این نوشتار آن بود که نشان دهد امنیت سیاسی در هر عصر تعریف خاصی دارد. اینکه امنیت سیاسی چیست؟ چگونه ایجاد می‌گردد؟ برای چه کسانی تعریف می‌شود؟ ابزارهای ایجاد کننده امنیت و تکنولوژی‌های حکومت برای ایجاد امنیت کدامند؟ همه بستگی به عصری است که امنیت در آن تعریف می‌شود. سه عصر به همراه سه نوع تکنولوژی قدرت مورد بررسی قرار گرفت (فوکو، 2013: 318) که در هر یک تکنولوژی‌های حکومت‌مندی روش‌های خاصی را برای امنیت دهی استفاده می‌کنند.

در عصر سنتی و با وجود تکنولوژی‌های قدرت متفاوتی امنیت سیاسی مخصوص اشراف، دربار و سلطنت بود به نحوی که رعیت و جغرافیای سرزمینی قربانی آرمان‌های پدرسالاری می‌گردید. در عصر مدرن و با شکل‌گیری تکنولوژی‌های قدرت مکانیکی، امنیت در مورد شهروندان دولت ملی به کار گرفته شد. جغرافیا و جمعیت ملی، اهداف امنیتی ملی گردیدند که دولت با شیوه‌های بروکراتیک و دموکراتیک به دنبال آن بود که امنیت سیاسی شهروندان را حفظ نماید. در عصر پسامدرن و با به وجود آمدن تکنولوژی‌های پسامدرن امنیت به حیطه شهروندی جهانی وارد گردید و با استفاده از قدرت نرم موضوع امنیت دچار تحول اساسی گردید. اکنون شهروندان جهانی، محیط زیست، تروریسم مجازی (کانوی، 1390: 15) و بسیاری از موضوعات جهانی در عصر اطلاعات امنیتی قلمداد می‌شوند.

پیشنهاد پایانی: سه گونه امنیت سیاسی در عصر جدید در کنار یکدیگر وجود دارند و هیچ یک برتری ذاتی و حقیقی بر دیگری ندارد. بسیاری از مفاهیم و تکنیک‌های امنیت متفاوتی اکنون قابل اجرا و دارای کاربرد می‌باشد. مثلاً توجه به اخلاق، مذهب و خانواده به معنای تبلور اجتماعی سیاسی سنت هنوز شیوه‌هایی کارآمد در امنیت بخشی سیاسی به حساب می‌آید. تنها وجه ناکارآمد متفاوتی قرائت استبدادی و یکه‌سالاری بود که ناشی از حکومت‌مندی‌های ناکارآمد شاهان و سلاطین بود. در غیر اینصورت حکومت متفاوتی پیامبران و ائمه و همینطور بسیاری از صالحان و نیکان در عصر اطلاعات نیز قابل‌الگوگیری می‌باشد. به همین ترتیب الگوهای امنیت سیاسی فیزیکی نیز هنوز نابود نشده‌اند و دولت ملی و منافع ملی قدرت بسیار بالایی در عصر اطلاعات دارند. کارآمدی حکومت‌مندی فیزیکی مکانیکی در عصر اطلاعات نه تنها نابود نشده است بلکه تقویت بالایی به دست آورده است. اما نمیتوان وجوه اطلاعاتی و سازه‌ای، امنیت سیاسی که در فرایند جهانی شدن عصر اطلاعات شکل گرفته است، مورد غفلت قرار گیرد. به طور خلاصه در این نوشتار سعی شد برای مبانی علم سیاست، روش‌شناسی علم سیاست و همینطور تاریخ و اندیشه سیاست، سه گانه‌ای از مفاهیم امنیت سیاسی مورد بررسی قرار گیرد و جایگاه هر کدام متناسب با تکنولوژی‌های هر دوره تحلیل گردید.

منابع

- اریکسون، یوهان (1390)، **انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری های جدید**، مقاله برگرفته از کتاب **انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری های جدید**، جیمز روزنا، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ایگلتون، تری (1389)، **ترور و تفکر**، ترجمه هوشنگ افتخاری راد، تهران: چشمه
- آرنت، هانا (1389)، **وضع بشر**، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس
- بودریار، ژان (1389)، **جامعه مصرفی**، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: ثالث
- پوراحمدی، حسین (1388)، **دیپلماسی نوین جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه
- خالقی، احمد، روح اله اسلامی (1389)، **سیاست در عصر اطلاعات از منظر پسامدرنیسم**، فصلنامه علمی پژوهشی **آفاق امنیت**، سال سوم، شماره 8
- فوکو، میشل 1 (1389)، **تولد زیست جهان**، ترجمه رضا نجف زاده، تهران: نی
- فوکو، میشل 2 (1389)، **تئاتر فلسفه**، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانزاده، تهران: نی
- کانوی، مائورا (1390)، بهره برداری تروریست ها از اینترنت و چالش های مدیریتی فضای اطلاعاتی، مقاله برگرفته از کتاب **انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری های جدید**، جیمز روزنا، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- کگل، استوارت (1383)، **چارچوب های قدرت**، ترجمه مصطفی یونسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- کلمن، ریچارد (1387)، **دگرگونی شهروندی**، مقاله برگرفته از کتاب، **رسانه های جدید و سیاست**، بری اکسفورد و ریچارد هاگینز، ترجمه بابک دربیگی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- معمدنزاد، کاظم (1389)، **جامعه اطلاعاتی**، تهران: میراث قلم
- نای، جوزف (1387)، **قدرت در عصر اطلاعات**، ترجمه سعید میر ترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- نگری، آنتونیو، مایکل هارت (1390)، **کاردیونسیوس**، ترجمه رضا نجف زاده، تهران: نی

هايرماس، يورگن (1386)، **دگرگونی ساختار حوزه عمومی**، ترجمه جمال محمدی، تهران: افکار

يعقوبی، نورمحمد (1386)، **دولت الکترونیک**، تهران: افکار

Hay, Colin (2007), **why we hate politics**, London: polity press

Herrera, Geoffrey L. (2006), New Media for a New World? In the book **Information Technology and Threats to National Security, Globalization and National Security**, edited by Jonathan Kirshner, New York London: Routledge

Kirshner, Jona than (2006), Globalization, Power, and Prospect, In the book **Information Technology and Threats to National Security, Globalization and National Security**, edited by Jonathan Kirshner, New York London: Routledge

Macdonald, Scot (2007) ,**PROPAGANDA AND INFORMATION WARFARE IN THE TWENTYFIRST CENTURY** ,Madison Ave, New York: Routledge, www.eBookstore.tandf.co.uk

McSweeney, Bill (2004), **Security, Identity and Interests, A Sociology of International Relations**, London: Cambridge University Press

Philip, Manows (2010), **In the king shadow**, translated by Patrick camiller, Cambridge: polity press

Ripsman, Norrin, T.v Paul (2010), **globalization and national security state**, London and New York, Oxford university press

Sandole, Dennis J.D (2007), **Peace and Security in the Postmodern World**, The OSCE and conflict resolution Dennis J, New York London: Routledge

Smith, Steve (2006),The concept of security in a globalizing world, **GLOBALIZATION AND CONFLICT National Security in a 'New' Strategic Era**, Edited by Robert G. Patman, London and New York, Routledge

Tilly, Charles (1998),International communities, secure or otherwise, in the book, **Security Communities**, Emanuel Adler, Michael Barnett, London: Cambridge University Press

Tofler, elvine (1970), **future shock**, published simultaneously in the United States and Canada: published by arrangement with Random House

Williams, Michael C (2007), **Culture and Security Symbolic power and the politics of international security**, New York London: Routledge

Technology and revolution in security politic

Abstract

Technology is ability human for change environment. If change occurs in nature environment, instrumental technology in the field architect or medicine can design and construction subject about the self problem. But in the human science for example politic what is technology? In this article researcher focus on security politic and relation this subject to the change of technology. . The main question is what is impact technology and change it under the security politic. For answer to this question Article is divided three parts. Part one analysis simple technology in the ancient and classic era that produce security politic very relation despotism. Security describe protection system politic and king family. Part two The mechanic technology for example mechanism industrial caused security politic limited to protection civilization that available in the nation state. Part three analysis information technology that shape new politic world. This technology created new field the name is soft and cyber field. Security politic can design and implementation in this new aspect

Key word:

Technology, security politic, change